



شماره ثبت: ۳۱۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

تولی من قبل جائز.....	۲
مرور بر گذشته.....	۲
احتمالات نظریه دوم (حکومت به معنای عام).....	۲
وجه اول.....	۲
وجه دوم.....	۲
شواهد در روایات برای وجه دوم.....	۲
بررسی روایت از لحاظ سندی.....	۳
بررسی روایت از لحاظ دلالت.....	۳
معانی تولی در آیات.....	۳
منظور از تولی در آیات.....	۴
پذیرش ولایت کفار.....	۴
نتیجه گیری.....	۵
جمع بندی بحث.....	۵
فرع پنجم: حکم تولی در حکومت های بعد از غیبت.....	۵



تولی من قبل جائر

مرور بر گذشته

بحث در حرمت تولی بود. در این قضیه فروعاتی را مطرح کردیم. فرع چهارم این بود که آیا تولی به حکومت‌های اسلامی اختصاص دارد یا عام است و شامل تمام حکومت‌های کفار نیز می‌شود.

در این فرع دو احتمال وجود دارد.

۱. خاص حکومت‌های اسلامی است. این وجه هم به خاطر ضمایر و اشاراتی که در روایات وجود دارد.

۲. عام تمام حکومت‌ها است.

احتمالات نظریه دوم (حکومت به معنای عام)

وجه اول

در نظریه دوم، دو احتمال وجود داشت. وجه اول این بود که در بعضی جاها از طریق تنقیح مناط می‌پذیریم.

وجه دوم

وجه دوم این بود که در روایات شواهدی برای عموم پیدا کنیم. درست است که بعضی روایات اختصاص به حکومت مسلمانان دارد ولی بعضی از روایات شواهدی برای عموم دارند.

شواهد در روایات برای وجه دوم

از جمله روایت دهم باب ۴۵ از این قبیل است.

« عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْمٍ مِنَ الشَّيْعَةِ - يَدْخُلُونَ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ يَعْمَلُونَ لَهُمْ وَيُحِبُّونَ لَهُمْ وَيُؤَلُّونَهُمْ قَالَ لَيْسَ هُمْ مِنَ الشَّيْعَةِ - وَ لَكِنَّهُمْ مِنْ »



شماره ثبت: ۳۱۸۲

أُولَئِكَ ثُمَّ قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذِهِ الْآيَةَ لَعْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ - عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ - إِلَى قَوْلِهِ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ - قَالَ الْخَنَازِيرُ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ - وَ الْفَرْدَةُ عَلَى لِسَانِ عِيسَى كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ - قَالَ كَانُوا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الْخَنَزِيرِ وَ يَشْرَبُونَ الْخُمُورَ وَ يَأْتُونَ النِّسَاءَ أَيَّامَ حَيْضِهِنَّ ثُمَّ احْتَجَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤَالِينَ لِلْكَفَّارِ فَقَالَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ - فَهَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤَالِيَ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرَ إِلَّا عِنْدَ التَّقِيَّةِ.^۱

از حضرت می‌پرسند مسلمانانی و شیعیانی هستند که وارد دستگاه جور و ظلم می‌شوند، حضرت می‌فرماید: ایشان از شیعیان نیستند حتی اگر به لحاظ اعتقادی و شکلی شیعه باشند. در ادامه روایت حضرت نکات و استشهداتی را بیان می‌کنند. حضرت در ادامه به آیه « تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ »^۲ اشاره می‌کند. ایشان استشهد می‌کنند بر آیاتی که تولی کفار را نشان می‌دهند.

اگر این روایات نیز نبود، به همین آیه نیز استشهد می‌کرد، می‌توانست بگوید که تولی در مورد کفار به شکل عام است.

بررسی روایت از لحاظ سندی

مسئله محل اشکال است. ایشان توثیق ندارند ولی چون از بزرگان هستند، می‌شود به ایشان توثیق کرد. از طرفی امام (ره) نیز توثیق ایشان را پذیرفته‌اند. البته با قاعده رجال مشاهیر می‌توانیم ایشان را بپذیریم.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

روایت می‌گوید که اصل در قرآن، کفار است و ما مسلمین را الغای خصوصیت می‌کنیم.

معانی تولی در آیات

تولی در آیات به دو معنی آمده است.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۱

^۲ مائده، آیات ۸۰ و ۸۱



شماره ثبت: ۳۱۸۲

۱. پشت کردن به جبهه‌ی حق و خداوند که این معنی ربطی به بحث مربوطه ندارد.
۲. معنای دیگر تولی این است که از واژه ولایت می‌آید. معنای ولایت قرب چیزی است. اصل تولی، یعنی دوست داشتن و نزدیک شدن.
- چیزی که مورد نهی قرار گرفته شده است، تولی اعداء الله، کفار، یهود و نصارا و مشرکین در قرآن آمده است. در آیات مشاهده می‌کنیم که تولی کفار، مورد مذمت شدید قرار گرفته است. آیات نهی مطلق به تولی کفار دارد.
- این آیات تعدد و ظهور دارد. چون وعده عقاب دارد، تولی را از کبائر برمی‌شماریم. از سویی به معنای عام است و مطلق غیرمسلمان را شامل می‌شود.

منظور از تولی در آیات

- آیاتی زیادی وجود دارد در مورد تولی کفار و نهی واضحی نیز شده است. منظور تولی در آیات به سه شکل مطرح شده است:
۱. مقصود از تولی، عقدالنصرة است. بین قبایل توافق‌نامه‌ای بسته می‌شده است که هرگاه حمله‌ای به طرفی شد، بقیه کمک وی می‌کردند. این در جزیره العرب مرسوم بوده است. این احتمال حداکثر است.
 ۲. احتمال سوم این است که معنا و مفروض مهر و محبت است. مرحوم علامه طباطبایی نیز چنین احتمالی را قوی می‌دانسته است. البته این یک نوع دلدادگی است نه اینکه یک رابطه‌ی سطحی باشد.
 ۳. تولی به معنای یک نوع دوستی است که در آن یک تعامل جدی و ارتباط جدی بین مسلمان و کافر برقرار بشود. این نوع دوستی در رفتارهای ظاهری بروز کند.
- اظهر این معنای سوم است. تولی یک نوع قرب و دوستی است که ظهور و بروزاتی دارد.
- قاعدتاً معنای اول ظهور ندارد. البته احتمال دوم نیز دور از انتظار نیست.

پذیرش ولایت کفار

ورود در سیستم و دستگاه و قبول ولایت کفار در آیه، دو احتمال دارد:



شماره ثبت: ۳۱۸۲

۱. ورود در سیستم مطلقاً تولى است.

۲. اگر ورود همراه با يك نوع دلدادگى باشد تولى است.

احتمال دوم اظهر است.

نتیجه گیری

با توجه به احتمالات در معانى و احتمالات پذیرش ولایت کفار، قدر متیقن تولى، علاقه و محبتى است که بروز و ظهور کرده است. اگر هر کدام از این ها نباشد، نمى توانیم بگوئیم که تولى شامل آن ها مى شود.

تولى يك نوع دوستى که در عمل ظهور بارزى دارد و موجب روابط عمیق بین مؤمن و کفار مى شود.

قبول ولایت حکومت های کفر، در صورتی که بر اساس يك علایق و پیوندهای قلبی باشد، حرام است. اینکه این تولى مطلقاً حرام باشد، بعید است. اما در حکومت های نامشروع مسلمان، مطلق است.

جمع بندى بحث

ورود در دستگاه حکومت های مسلمان غاصب، اطلاقاتى دارد که مطلقاً حرام است.

ورود در دستگاه غیر مسلمان، اگر حربى باشد، مطلقاً حرام است.

ورود در دستگاه غیر مسلمان، اگر حربى نباشد و اگر ناشى از دلدادگى و محبت باشد، منع دارد و در غیر دلدادگى و محبت منعى ندارد.

در درون جامعه اسلامى، شمول بیشترى دارد تا حکومت نامشروع، دوام و ثبات نیابد.

فرع پنجم: حکم تولى در حکومت های بعد از غیبت

آیا منظور از حکومت های مسلمان، حکومت های زمان معصوم (علیهم السلام) است یا برای هر زمان است؟



شماره ثبت: ۳۱۸۲

منظور کلی این سؤال این است که حکومت‌های بعد از غیبت نیز شمول دارد. اگر کسی قائل باشد که در عصر غیبت، مأمور حکومت نیستیم، یا امام اذن نداده است. یا اینکه کسی قائل به حکومت مشروع و نامشروع در زمان غیبت است.

اگر ما حکومتی را از دیدگاه فقهی مشروع بدانیم، طبعاً ادله تولى آن را شامل نمى‌شود. مشروعیت به هر حکمی باشد، شامل تولى نمى‌شود.